

# دیپلماسی گام به گام ایران و معماری بلند مدت تنگه هرمز

در میانه معادلات پیچیده انرژی جهان، تنگه هرمز شاهرگ حیاتی اقتصاد جهانی و یکی از عمیق ترین مؤلفه‌های قدرت آفرین ایران به شمار می‌رود. طی سه‌ ماه اخیر آنچه در این آبراه رقم خورده است، نمونه‌ای آشکار از تبدیل یک ظرفیت بالقوه به اهرمی عملیاتی است. اهرمی که چون خشایی دانه‌دانه پر شد و اکنون در آستانه گشایش‌های سیاسی احتمالی، نحوه خالی‌سازی آن به اندازه خود همان اثباتست سرنوشت‌ساز است.

**■ تنگه هرمز، ابزاری برآمده از هزینه‌های مادی و معنوی**
واقمیت آن است که وضعیت ویژه کنونی در مدیریت آبره تنگه هرمز حاصل سه ماه کشت پیوسته، پر تنش و پر هزینه بوده‌است. هزینه‌هایی که هم روی تراز مالی کشور اثر گذاشته و هم سرمایه سیاسی و امنیتی قابل توجهی را به میدان آورده‌است. تحلیلگرانی که بازار جهانی نفت را رصد می‌کنند، ادغان دارند که عدم قطعیت در عبور آزادانه محموله‌ها در کنار افزایش نرخ بیمه حمل‌ونقل در دریای و تغییر مسیر اضطراری پارهای از کشتی‌ها، حاشیه‌امن عرضه را به شکل محسوسی کاهش داده و این وضعیت مستقیماً در رفتار طرف امریکایی بازتاب یافته‌است. به زبان ساده‌تر، تنگه هرمز در این ماه‌ها معلازا یک متغیر ژئولیتیک در حاشیه تحلیل‌ها، به نقطه نقل فشار بر سیاست‌گذار انرژی در واشینگتن تبدیل شده‌است. به‌سختی می‌توان منکر شد که این جایگاه، ثمره صبر راهبردی و تحمل هزینه‌های مادی و معنوسوی در لایه‌های گوناگون کشور بوده‌است. بر همین پایه، کنار گذاشتن ساده و شتاب‌زده این برگ برنده در نقطه‌امضای یک تقاضا، افزون بر آنکه یاداش بی‌عملی در برابر بدعهدی‌های پیشین را یک‌جا تقدیم طرف مقابل می‌کند، این پیام خطرناک را نیز به نظام بین‌الملل مخابره می‌کند که ایران ظرفیت پایادری بر مدیریت آبره ا رناردر و فشار بر آن، هزینه‌هایش را به سرعت از رمق می‌اندازد.

**■ منطق گشایش تدریجی**
پیشنهاد تداوم بازگشایی دست‌کم به مدت دو ماه، برآمده از عقلانیت راهبردی در پاسخ به ضرورتی سه‌وجهی است. نخست، تجربه تاریخی به ما می‌گوید که طسرف غربی، به‌ویژه ایالات متحده، در پایبندی به تعهدات خود پیشینه‌ای مخدوش دارد. کافی است به سرنوشت برجام و نقض یک‌جانبه آن اشاره کرد. در چنین بستری، بازگشایی دغعی همه ظرفیت‌های کنترلی را یک‌باره از کف می‌هدد و ایران را در برابر بدعهدی‌های آینده خلع‌سلاح می‌کند. با گشایش فلکانی و منوط به رفتار متقابل، این فرصت ایجاد می‌شود که هر گام از عادی‌سازی، در ازای دریافت یک امتیاز ملموس یا تأیید پایبندی طرف مقابل صورت گیرد و تنگه همچون ضامن اجرای تقاضا، پویا باقی بماند.

دومین وجه، تثبیت این باور در فضای ذهنی بازگیران جهانی است که بسته شدن دوباره تنگه، هزینه‌ای از جنس «زمان» دارد و نمی‌توان ظرف چند روز به شرایط عادی بازگشت. در واقع اگر روی ایران ناگزیر شود

## اقتصاد

سرویس اقتصادی، ۶۰۰۰۰۰۲۳۳۸۸۵



بین‌المللی دریاوردی ضروری است، اما در پس این واژگان فنی، واقعیتی استراتژیک نهفته‌است. اینکه هر کشتی‌ای که از مسیر ایران بگذرد و به سلامت خارج شود، خود گواهی است بر کارآمدی نظام کنترلی کشور می‌دهد و به‌اصطلاح، «متحدهان مسیر» را تکثیر می‌کند.

**■ از امنیتی دریاوردی تا حاکمیت پایدار از ذیل تثبیت کریدور ایرانی**

الزام کشتی‌های عبوری به استفاده از مسیر تعیین شده ایران، بخشی از معماری بلندمدت کنترل بر تنگه است. وقتی همه شناورها، اعم از تجاری و نفت کش، ناگزیر شوند از یک دالان مشخص تحت نظارت ایران عبور کنند، به تدریج یک رویه مستقر شکل می‌گیرد. این رویه، اطلاعاتی‌های غیرمنظره از سوی یک سازمان یا نهاد، در گذشته به‌سرعت تصویر اقتدار ایران را در آذهان بین‌المللی متزلزل کرده و طرف مقابل را به تردید درباره عزم و انسجام داخلی کشور انداخته‌است. برای اجتناب از تکرار این تجربه‌های نامطلوب، لازم است پیش از نهایی شدن هر تقاضا، یک سلول هماهنگی مرکب از نمایندگان نهادهای نظامی، امنیتی، دستگاه دیپلماسی، بانک مرکزی و سازمان بنادر و دریاوردی شکل گیرد. این سلول باید سناریوهای بازگشایی فلکانی را از پیش طراحی کرده، تقسیم کار شفاف‌ی ارائه دهد و برای هر گام، پیوست رسانه‌ای و دیپلماتیک دقیقی تدارک ببیند. تنها در این صورت است که پس از اعلام تقاضا، هیچ صدایی جز صدای واحد و حساب‌شده ایران شنیده نخواهد شد و از بی‌گسست روایت که بدترین آسیب را به اعتبار چانه‌زنی کشور می‌زند، پیشگیری می‌شود.

**■ نگاهی به فردای تقاضا احتمالی**
شاید به کارگیری تمثیل «خشاب» برای تنگه هرمز در نگاه نخست

بانک مرکزی برای بازنگری نرخ‌های سود بانکی خیز برداشته است

## خانه‌تکانی در سود سپرده‌ها

سیاستگذار پولی در تلاش برای باز تعریف ساختار پرداخت سود و ایجاد تمایز میان سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت است

**■ پایان سودهای مشابه برای سپرده‌های متفاوت**

بزمه‌های مطرح شده می‌گویند، سپرده‌های جاری، کوتاه‌مدت و بلندمدت میان کنترل تورم و حفظ توان تأمین مالی آنها بازدهی مشابهی در نظر گرفت، یعنی فردی که منابع خود را برای مدت طولانی در اختیار شبکه بانکی قرار می‌دهد، امکان برنامه‌ریزی بیشتری را برای بانک فراهم می‌کند و به همین دلیل از منظر اقتصادی مستحق دریافت بازدهی متفاوتی است.

در الگوی جدید مورد بررسی، سپرده‌های بلندمدت و ابزارهای مالی خاصی که منابع را برای دوره‌های طولانی‌تری در اختیار شبکه بانکی قرار می‌دهند، شانس بیشتری برای دریافت نرخ‌های جذاب‌تر خواهند داشت و در مقابل، سپرده‌هایی که قابلیت جابه‌جایی سریع دارند و صاحبان آنها امکان خروج منابع را در بازه‌های کوتاه حفظ می‌کنند، ممکن است با نرخ‌های متفاوتی مواجه شوند.

این رویکرد در بسیاری از نظام‌های بانکی جهان نیز اجرا می‌شود و هدف آن ایجاد تناسب میان ریسک، مدت سرمایه‌گذاری و میزان بازدهی است و از نگاه کارشناسان، چنین الگویی می‌تواند به مدیریت بهتر منابع بانکی کمک کند و ثبات بیشتری را در جریان تأمین مالی ایجاد به وجود آورد.

با این حال هنوز هیچ نرخ مشخصی برای سپرده‌های بانکی اعلام نشده و گمانه‌زنی‌های مطرح‌شده درباره در صد‌های جدید مورد تأیید قرار نگرفته است و بررسی گزینته‌های مختلف ادامه دارد و تصمیم نهایی پس از جمع‌بندی ارزیابی‌های کارشناسی اتخاذ خواهد شد.



حال سیاستگذار پولی در پی آن است که به جای اعمال تغییرات یکسان برای همه سپرده‌ها، ساختاری متناسب با نوع سپرده و مدت نگهداری منابع طراحی کند و هدف از این رویکرد آن است که تفاوت میان میزان تعهد سپرده‌گذار، دوره زمانی ماندگاری منابع و نوع ابزار مالی در نرخ سود پرداختی منعکس شود.

## پایان نگهداری ارز در خانه با صندوق‌های ارزی



پروژه‌های دارای درآمد ارزی هدایت ش‌شوند و حاصل چنین فرآیندی افزایش ظرفیت تولید، رشد صادرات و تقویت درآمدهای ارزی اقتصاد خواهد بود.

البته با وجود مزایای بالقوه، موفقیت این طرح به کیفیت اجرا وابسته

||سهم‌شنبه ۲ تیر ۱۴۰۵|| ۸ محرم ۱۴۴۸

نظامی و تند به نظر برسد، اما دلالت راهبردی آن برای هر تحلیلگر اقتصادی آشکار است. ظرفیتی که با صرف زمان و هزینه اثباتسته شده، نمی‌یاست یک‌شبه تخلیه شود. تنگه هرمز امروز به یک دارایی نامتقارن بدل شده که می‌تواند پس از هر تقاضا، نقش ضامن اجرا را ایفا کند. بازگشایی تدریجی و مشروط، اولویت‌دهی هوشمندانه به کشتی‌های غیرنفتی و وارداتی، هماهنگی با شرکای همسو، تثبیت مسیر و پیوند زن هر گام به رفتار طرف مقابل، در کنار هم بسته‌ای منسجم می‌سازند که منافع ملی را در کوتاه‌مدت و بلندمدت حفظ می‌کند. تاریخ اقتصادی ایران گواه است که هر گاه قدرت جغرافیایی تقاضم و مراقبت مستمر از شریان‌های اقتصادی کشور است. جهان نیز

دستاوردهای مذاکراتی شکننده و زودگذر از آب درآمده‌اند. اکنون فرصتی پیش روی تصمیم‌سازان است که نشان دهند فشار آوردن بر تنگه هرمز، بخشی از یک استراتژی پویا برای ضمانت‌بخشی به هر تقاضم و مراقبت مستمر از شریان‌های اقتصادی کشور است. جهان نیز چاره‌ای جز پذیرش این منطق نخواهد داشت، چرا که تنگه هرمز برای اقتصاد جهانی حکم شریان حیاتی را دارد و هیچ شریان حیاتی‌ای را نمی‌توان بدون جلب نظر قلبی که خسون را پمپاژ می‌کند، مدیریت کرد. آنچه اهمیت می‌یابد نه شتاب برای بازگشت به «عادی‌سازی»، که هوشمندی در بازتعریف «عادی» بر اساس قواعد جدیدی است که ایران با صبر و هزینه توانسته است بر صفحه شطرنج انرژی حک کند. بازگشایی تدریجی، همراه با حفظ توان و انکش، کشور را در موقعیتی قرار می‌دهد که دیگر نگران «فردای نقض عهد» نباشد، زیرا ابزار لازم برای پاسخخ در همان گذر گاهی جای گرفته که نبض بازار نفت از آن می‌گذرد.

**■ معادله پیچیده میان تورم و تأمین مالی**

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی سیاستگذاران پولی، ایجاد تعادل میان کنترل تورم و حفظ توان تأمین مالی اقتصاد است، چرا که کاهش جذابیت سپرده‌گذاری، بخشی از نقدینگی را به سمت بازارهای دارایی سوق می‌دهد و افزایش تقاضا در این بازارها به رشد بیشتر قیمت‌ها منجر می‌شود. در سوی مقابل، افزایش شدید نرخ سود بانکی هزینه سرمایه را برای بخش تولید بالا می‌برد و روند توسعه فعالیت‌های اقتصادی را کند می‌کند. به همین دلیل اصلاح ساختار سود بانکی صرفاً با هدف افزایش بازدهی سپرده‌ها دنبال نمی‌شود. آنچه در دستور کار قرار گرفته، طراحی سازوکاری است که بتواند همزمان از ثبات شبکه بانکی، مهار فشارهای تورمی و تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی پشتیبانی کند. کارشناسان اقتصادی معتقدند جذابیت پایدار سپرده‌گذاری زمانی شکل می‌گیرد که نرخ تورم نیز در مسیر نزولی قرار گیرد و اثر تورم با سرعت بالا ادامه پیدا کند، حتی افزایش نرخ‌های سود نیز اثر محدودی در بالا خرید سپرده‌گذاران خواهد داشت، از همین رو اصلاح ساختار نرخ‌ها زمانی به نتیجه مطلوب می‌رسد که با مجموعه‌ای از سیاست‌های پولی و اقتصاد هماهنگ همراه شود. آنچه اکنون قطعی به نظر می‌رسد، ورود نظام تعیین سود بانکی به مرحله بازنگری است و نتیجه این بازنگری می‌تواند شکل پرداخت سود را تغییر دهد و فاصله بیشتری میان سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت ایجاد کند. با این حال مسیر نهایی هنوز مشخص نشده‌است و تصمیم‌گیری درباره نرخ‌های جدید پس از تکمیل بررسی‌های تخصصی انجام خواهد شد.

**■ نگاه**

کشورن سال‌هاست در حوزه اقتصادی با رویه متناقضی مواجه است، در حالی که بخش تولید، صنایع صادراتی و پروژه‌های زیرساختی با محدودیت منابع مالی روبه‌رو هستند، حجم قابل توجهی از دارایی‌های ارزی در خارج از چرخه رسمی اقتصاد نگهداری می‌شود و بخشی از این منابع به شکل اسکناس نزد خانوارها قرار دارد و به دلیل نبود ابزارهای مالی متناسب، امکان تبدیل آن به سرمایه‌گذاری مولد فراهم نشده‌است. بنابراین سیاستگذار برای رفع همین گسست میان پس‌اندازهای ارزی و نیازهای مالی بخش واقعی اقتصاد به سراغ راه‌اندازی صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت ارزی رفته است.

منطق این ابزار مالی می‌گوید هر اقتصادی برای تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای به سازوکارهایی نیاز دارد که بتواند منابع برآکنده را جمع و به سمت فعالیت‌های دارای بازده هدایت کند و بازارهای مالی پیشرفته نیز از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری، اوراق بدهی و ابزارهای متنوع تأمین مالی، این وظیفه را بر عهده گرفته‌اند. بنابراین ایجاد صندوق‌های ارزی در صورت طراحی صحیح، ظرفیت آن را دارد که بخشی از ارزش‌های